



راهبردهای مداخلات فرهنگی برای پیشگیری از مصرف مواد: مدل اجتماعی-اکولوژیکی در دانشجویان ایرانی

سلیمان کرمی^۱، مهرداد صادقی^۲، مهدی محمدخانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳. گروه معارف اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: mehrdad1361@iaui.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین مؤلفه‌ها و سطوح راهبردهای مداخلات فرهنگی مؤثر برای پیشگیری از مصرف مواد در میان دانشجویان ایرانی بر مبنای مدل اجتماعی-اکولوژیکی انجام شد. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۱ نفر از اعضای هیئت علمی روان‌شناسی، کارکنان مرکز مشاوره، مدیران دانشگاهی و پژوهشگران علوم رفتاری بودند که با نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی و تا دستیابی به اشباع انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته ۲۰ تا ۴۰ دقیقه‌ای گردآوری و پس از پیاده‌سازی، بر اساس چارچوب اجتماعی-اکولوژیکی کدگذاری و تحلیل شدند. برای افزایش اعتبار یافته‌ها نیز از بازبینی و اظهارنظر متخصصان استفاده شد. تحلیل مضمون به استخراج چهار مضمون فراگیر، هفت مضمون سازمان‌دهنده و یازده مضمون پایه منجر شد. چهار سطح اصلی مداخلات شامل سطح فردی، بین‌فردی، جامعه دانشگاهی و اجتماعی بود. در سطح فردی، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت استرس، خودتنظیمی، افزایش عزت‌نفس و اصلاح نگرش نسبت به مصرف مواد برجسته بود. در سطح بین‌فردی، نظارت مؤثر والدین، حمایت خانواده و همسالان، عضویت در گروه‌های دانشجویی سلامت‌محور و فعالیت‌های گروهی اهمیت داشت. در سطح جامعه دانشگاهی، جشنواره‌های فرهنگی و رسانه‌های دانشجویی، و در سطح اجتماعی، کمپین‌های رسانه‌ای ترویج‌کننده زندگی عاری از مواد شناسایی شدند. همچنین، شرایط اقتصادی-اجتماعی مطلوب به‌عنوان عامل زمینه‌ای مؤثر بر پایداری مداخلات مطرح شد. پیشگیری فرهنگی از مصرف مواد در دانشجویان نیازمند رویکردی هماهنگ و چندسطحی است که هم‌زمان توانمندی‌های فردی، حمایت خانواده و همسالان، محیط دانشگاهی، هنجارهای اجتماعی و شرایط زمینه‌ای اقتصادی-اجتماعی را هدف قرار دهد.

کلیدواژه‌گان: مداخلات فرهنگی، دانشجویان، پیشگیری از اعتیاد، مصرف مواد، مدل اجتماعی-اکولوژیکی.

تاریخ ارسال: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۲۸ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۵ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۷ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵



How to cite: Karami, S., Sadeghi, M., & Mohammad Khani, M. (2026). Cultural Intervention Strategies for Substance Use Prevention: A Social-Ecological Model for Iranian University Students. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(5), 1-19.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Cultural Intervention Strategies for Substance Use Prevention: A Social-Ecological Model for Iranian University Students

Soleiman Karami¹, Mehrdad Sadeghi^{2*}, Mehdi Mohammad Khani³

1. Ph.D. Student, Department of Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Department of Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3. Department of Islamic Studies, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: mehrdad1361@iau.ac.ir

Abstract

This study aimed to identify and explain the components and levels of culturally informed intervention strategies for preventing substance use among Iranian university students within a social-ecological framework. This qualitative study employed thematic analysis. Participants were 11 key informants, including psychology faculty members, university counseling center staff, university administrators, and behavioral science researchers, who were recruited through purposive snowball sampling until data saturation was reached. Data were collected through semi-structured interviews lasting approximately 20–40 minutes. The interviews were transcribed, coded, and analyzed according to the social-ecological framework. Expert review and peer debriefing were also used to enhance the credibility of the extracted themes. The thematic analysis yielded four overarching themes, seven organizing themes, and eleven basic themes. The four overarching intervention levels were individual, interpersonal, university-community, and societal. Individual-level strategies emphasized coping skills, stress management, self-regulation, self-esteem enhancement, and modification of attitudes toward substance use. Interpersonal strategies included effective parental monitoring, family and peer support, participation in health-promoting student groups, and constructive group activities. At the university-community level, cultural festivals promoting substance-free lifestyles and the use of student and university media for prevention messaging emerged as central strategies. At the societal level, television, radio, and broader media campaigns designed to normalize substance-free lifestyles were identified. Favorable socioeconomic conditions and an adequate standard of living also emerged as contextual prerequisites that could strengthen the effectiveness and sustainability of cultural prevention programs. Effective substance use prevention among university students requires a coordinated multilevel approach that simultaneously addresses individual competencies, family and peer relationships, the university environment, broader social norms, and supportive socioeconomic conditions.

Keywords: Cultural Interventions, University Students, Substance Use Prevention, Addiction Prevention, Social-Ecological Model.

Submit Date: 04 May 2026

Revise Date: 19 September 2026

Accept Date: 27 September 2026

Initial Publish: 29 September 2026

Final Publish: 22 December 2026

دوران دانشجویی یکی از مراحل حساس گذار به بزرگسالی است که در آن افراد به طور هم زمان با مجموعه‌ای از تحولات تحصیلی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی مواجه می‌شوند. ورود به دانشگاه معمولاً با افزایش استقلال فردی، کاهش نظارت مستقیم خانواده، گسترش شبکه‌های دوستی، تجربه محیط‌های اجتماعی جدید، افزایش فشارهای تحصیلی و اقتصادی و مواجهه با سبک‌های متنوع زندگی همراه است. این شرایط، اگرچه می‌تواند فرصت‌هایی برای رشد هویت، استقلال و کسب شایستگی‌های اجتماعی فراهم کند، در عین حال ممکن است زمینه آسیب‌پذیری برخی دانشجویان در برابر رفتارهای پرخطر از جمله مصرف مواد را افزایش دهد. پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که مصرف مواد روان‌گردان، مواد غیرقانونی، دخانیات و سایر اشکال مصرف مواد در میان دانشجویان پدیده‌ای محدود به یک جامعه یا فرهنگ خاص نیست و در بسیاری از نظام‌های دانشگاهی مشاهده می‌شود. مرور نظام‌مند شواهد مربوط به مصرف مواد روان‌گردان در میان دانشجویان نیز بیانگر آن است که محیط دانشگاه، به دلیل ماهیت انتقالی و تغییر در روابط اجتماعی و سبک زندگی، می‌تواند یکی از بافت‌های مهم برای شکل‌گیری یا تثبیت الگوهای مصرف باشد (Sampaio et al., 2024). مطالعات انجام‌شده در پاکستان نیز مصرف مواد در میان دانشجویان را به عنوان یک مسئله قابل توجه سلامت عمومی مطرح کرده‌اند و بر ضرورت تدوین راهبردهای پیشگیرانه متناسب با ویژگی‌های جمعیت دانشگاهی تأکید دارند (Fareed et al., 2026).

گسترده‌ی پدیده مصرف مواد در جمعیت دانشگاهی در مطالعات انجام‌شده در مناطق مختلف جهان نیز منعکس شده است. یافته‌های حاصل از بررسی دانشجویان در مراکش نشان داده‌اند که مصرف مواد روان‌گردان با مجموعه‌ای از عوامل فردی و اجتماعی در ارتباط است و نمی‌توان آن را صرفاً حاصل یک تصمیم شخصی یا رفتاری مستقل از زمینه دانست (Essadi et al., 2024). به همین ترتیب، مطالعات انجام‌شده در اردن، مصر، اتیوپی و آفریقای جنوبی از وجود الگوهای متفاوت مصرف مواد در میان دانشجویان و نقش عوامل متعدد فردی، خانوادگی و محیطی در این زمینه حکایت دارند (Alsammak, 2023; Blows & Isaacs, 2022; Kabbash, 2022; Kahsay et al., 2022). این شواهد نشان می‌دهند که با وجود تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان جوامع، دانشجویان در بسیاری از کشورها در معرض عوامل خطر مشابهی مانند فشار همسالان، استرس، دسترسی به مواد، نگرش‌های تسهیل‌کننده و ضعف حمایت‌های اجتماعی قرار دارند. در عین حال، تفاوت در هنجارهای فرهنگی، ساختار خانواده، ارزش‌های اجتماعی، سیاست‌های دانشگاهی و شرایط اقتصادی موجب می‌شود که الگوی مصرف و همچنین نوع مداخلات مؤثر در هر جامعه ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد. بنابراین، انتقال مستقیم برنامه‌های پیشگیرانه از یک محیط فرهنگی به محیط دیگر، بدون در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، ممکن است از اثربخشی لازم برخوردار نباشد.

مرور مطالعات مربوط به دانشجویان در بریتانیا و ایرلند نیز نشان می‌دهد که مصرف مواد غیرقانونی در محیط دانشگاه پدیده‌ای چندعاملی است و عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی، شرایط اجتماعی، دسترسی به مواد و فرهنگ دانشجویی می‌توانند در شکل‌گیری آن نقش داشته باشند (Boden & Day, 2023). از این منظر، دانشگاه صرفاً مکانی برای آموزش رسمی نیست، بلکه یک محیط اجتماعی با هنجارها، شبکه‌های ارتباطی و الگوهای رفتاری خاص به شمار می‌رود. دانشجویان در تعامل مستمر با همسالان، استادان، کارکنان دانشگاه، رسانه‌های دانشجویی و ساختارهای فرهنگی دانشگاه قرار دارند و این تعاملات می‌توانند بر نگرش آنان نسبت به رفتارهای سالم یا پرخطر اثر بگذارند. شواهد موجود درباره دانشجویان کشورهای عضو انجمن ملل آسیای جنوب شرقی نیز نشان داده است که مصرف مواد غیرقانونی با طیفی از عوامل فردی و اجتماعی ارتباط دارد و توجه به محیط اجتماعی دانشگاه برای طراحی مداخلات پیشگیرانه اهمیت ویژه‌ای دارد (Yi et al., 2017). از این رو، رویکردهای پیشگیرانه‌ای که صرفاً بر انتقال اطلاعات درباره مضرات مواد تمرکز می‌کنند، احتمالاً برای مواجهه با چنین پدیده پیچیده‌ای کافی نیستند و لازم است به سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر رفتار دانشجویان نیز توجه شود.

در ایران نیز مصرف مواد در میان دانشجویان از منظر سلامت روان، سلامت اجتماعی و عملکرد تحصیلی اهمیت قابل توجهی دارد. فراتحلیل شواهد مربوط به دانشجویان ایرانی نشان داده است که مصرف مواد و عوامل مرتبط با آن در این جمعیت نیازمند توجه نظام‌مند و مداخلات پیشگیرانه هدفمند است (Armoon et al., 2022). مطالعات ملی نیز بیانگر آن هستند که عوامل خطر و محافظتی مصرف مواد در میان دانشجویان ایرانی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی قرار دارند و رفتار مصرف مواد را نمی‌توان صرفاً با یک عامل منفرد توضیح داد (Tareмян et al., 2018). افزون بر این، بررسی‌های مقطعی در جمعیت دانشجویی ایران، وجود اختلالات مرتبط با مصرف مواد و اهمیت توجه به عوامل مرتبط با شروع و تداوم مصرف را نشان داده‌اند (Direkvand-Moghadam et al., 2020). چنین یافته‌هایی بر ضرورت اتخاذ رویکردی چندسطحی تأکید می‌کنند؛ رویکردی که علاوه بر ویژگی‌های فردی دانشجوی، روابط خانوادگی، شبکه همسالان، فضای فرهنگی دانشگاه و شرایط اجتماعی گسترده‌تر را نیز در تحلیل و پیشگیری از مصرف مواد در نظر گیرد.

در سطح فردی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های روان‌شناختی می‌توانند احتمال آمادگی یا گرایش به مصرف مواد را افزایش یا کاهش دهند. صفات شخصیتی، شیوه‌های مقابله با فشار روانی، ظرفیت تنظیم هیجان، سبک‌های تصمیم‌گیری، خودکنترلی و توانایی مدیریت موقعیت‌های تنش‌زا از جمله متغیرهایی هستند که در پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای مثال، رابطه میان صفات شخصیتی و آمادگی برای اعتیاد می‌تواند تحت تأثیر وقایع استرس‌زای زندگی قرار گیرد؛ به این معنا که تجربه فشارهای زندگی ممکن است نقش برخی ویژگی‌های شخصیتی را در افزایش آسیب‌پذیری نسبت به مصرف مواد تقویت کند (Mohammadi Ahmadabadi & Golestaninejad, 2020). همچنین، نتایج مربوط به صفات سه‌گانه تاریک شخصیت نشان داده‌اند که برخی الگوهای شخصیتی می‌توانند با آسیب‌پذیری بیشتر نسبت به اعتیاد مرتبط باشند (Yousefi & Teymouri, 2019). این یافته‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌های پیشگیرانه در دانشگاه‌ها باید فراتر از اطلاع‌رسانی عمومی، بر پرورش مهارت‌های خودآگاهی، خودکنترلی، مقابله با استرس و شناخت عوامل روان‌شناختی خطر نیز تمرکز کنند.

تنظیم هیجان نیز یکی از مؤلفه‌های مهم در تبیین رفتارهای پرخطر دانشجویان است. دانشجویانی که در مدیریت هیجان‌های منفی، تصمیم‌گیری در شرایط فشار یا مواجهه سازگاران با تنش‌های تحصیلی و بین‌فردی دشواری دارند، ممکن است بیش از دیگران به رفتارهای اجتنابی یا راهبردهای ناسازگارانه روی آورند. بررسی ساختاری نقش سبک‌های تصمیم‌گیری و تنظیم شناختی هیجان در آمادگی برای اعتیاد نشان داده است که نحوه پردازش و مدیریت هیجان‌ها می‌تواند در ارتباط میان تصمیم‌گیری و گرایش به مصرف مواد اهمیت داشته باشد (Hosseini et al., 2019). از این رو، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، حل مسئله، تصمیم‌گیری و مقابله با فشار روانی می‌تواند بخشی از مداخلات فرهنگی و آموزشی پیشگیری از اعتیاد در دانشگاه‌ها باشد. چنین مداخلاتی زمانی اثربخش‌تر خواهند بود که محتوای آنها با زبان، ارزش‌ها و مسائل واقعی زندگی دانشجویان سازگار باشد و به‌جای رویکرد صرفاً آمرانه یا نصیحت‌محور، بر مشارکت فعال دانشجویان استوار شود. علاوه بر ویژگی‌های فردی، جنسیت و تفاوت‌های مرتبط با نقش‌های اجتماعی نیز در الگوهای مصرف مواد اهمیت دارند. مرور شواهد درباره تفاوت‌های جنسی و جنسیتی در اختلالات مصرف مواد نشان می‌دهد که عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌توانند سبب تفاوت در میزان آسیب‌پذیری، الگوی مصرف و پیامدهای مصرف مواد در زنان و مردان شوند (McHugh et al., 2018). بنابراین، یک برنامه پیشگیرانه واحد و بدون توجه به تنوع دانشجویان ممکن است نتواند نیازهای همه گروه‌ها را به‌طور یکسان پوشش دهد. طراحی مداخلات متناسب با نیازهای جمعیت هدف، توجه به تفاوت‌های جنسیتی، وضعیت زندگی، میزان استقلال از خانواده، شرایط خوابگاهی و تجربه‌های اجتماعی دانشجویان می‌تواند موجب افزایش ارتباط و پذیرش برنامه‌های پیشگیری شود. این نکته به‌ویژه در رویکردهای فرهنگی اهمیت دارد، زیرا معنا و کارکرد رفتارهای مرتبط با مصرف مواد در زمینه هنجارهای جنسیتی و انتظارات اجتماعی هر جامعه شکل می‌گیرد.

سطح بین‌فردی یکی دیگر از حوزه‌های اساسی در پیشگیری از مصرف مواد در جمعیت دانشجویی است. خانواده و همسالان دو منبع مهم اثرگذاری اجتماعی در این دوره محسوب می‌شوند. اگرچه ورود به دانشگاه معمولاً با افزایش استقلال از خانواده همراه است، کیفیت دلبستگی، نحوه ارتباط والدین با فرزندان، میزان نظارت و حمایت عاطفی خانواده همچنان می‌تواند در نگرش و رفتار دانشجویان اثرگذار باشد. بررسی مدل

علی دلبستگی اضطرابی و اجتنابی نشان داده است که کیفیت دلبستگی می‌تواند به‌طور مستقیم و از طریق نگرش نسبت به مواد با آمادگی برای اعتیاد ارتباط داشته باشد (Hamednia et al., 2017). این یافته ضرورت توجه به نقش خانواده را حتی در دوره دانشجویی برجسته می‌سازد. مداخلاتی مانند آموزش والدین درباره ارتباط مؤثر با دانشجویان، حفظ حمایت عاطفی بدون کنترل افراطی و شناسایی نشانه‌های خطر می‌تواند در کنار برنامه‌های دانشگاهی برای پیشگیری از مصرف مواد مورد استفاده قرار گیرد.

در کنار خانواده، گروه همسالان در محیط دانشگاه یکی از قوی‌ترین منابع تأثیر اجتماعی محسوب می‌شود. دانشجویان بخش قابل توجهی از زمان خود را با دوستان، همکلاسی‌ها و هم‌خوابگاهی‌ها سپری می‌کنند و هنجارهای گروهی می‌توانند در ادراک آنان از مطلوب یا نامطلوب بودن مصرف مواد نقش داشته باشند. پژوهش درباره مصرف مواد غیرقانونی در میان دانشجویان نشان داده است که دانش درباره مواد، شرایط زندگی و به‌ویژه نفوذ همسالان از عوامل مهم مرتبط با مصرف هستند (Alves et al., 2021). همچنین، بررسی عوامل خانوادگی، همسالان و فردی در میان دانشجویان ایرانی بر اهمیت نقش شبکه‌های اجتماعی نزدیک در رفتار مصرف مواد تأکید کرده است (Shariatirad, 2018). بنابراین، پیشگیری مؤثر مستلزم آن است که گروه همسالان نه فقط به‌عنوان یک عامل خطر، بلکه به‌عنوان یک ظرفیت پیشگیرانه مورد توجه قرار گیرد. استفاده از دانشجویان آموزش‌دیده به‌عنوان تسهیل‌گر، ایجاد گروه‌های سلامت‌محور، فعالیت‌های جمعی جایگزین و تقویت هنجارهای همسالان در حمایت از سبک زندگی سالم می‌تواند اثرگذاری مداخلات را افزایش دهد.

فرهنگ دانشگاهی و احساس تعلق اجتماعی نیز از دیگر مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند بر رفتارهای مرتبط با مصرف مواد اثر بگذارند. دانشگاه‌هایی که فرصت مشارکت اجتماعی، فعالیت فرهنگی، ارتباط سازنده و تجربه تعلق را برای دانشجویان فراهم می‌کنند، می‌توانند بستر مناسب‌تری برای شکل‌گیری هویت‌های مثبت و رفتارهای سلامت‌محور ایجاد کنند. در مقابل، انزوای اجتماعی، ضعف شبکه‌های حمایتی و عادی‌شدن برخی رفتارهای پرخطر در گروه‌های دانشجویی ممکن است آسیب‌پذیری را افزایش دهد. بررسی مصرف مواد در میان دانشجویان کالج نشان داده است که این پدیده با عوامل متعددی در محیط دانشگاه مرتبط است و پیشگیری باید فراتر از مداخلات فردی، بافت کلی زندگی دانشجویی را نیز هدف قرار دهد (Welsh et al., 2019). شواهد مربوط به رفتارهای مصرف الکل در میان دانشجویان سال اول نیز اهمیت توجه به محیط فرهنگی، روابط دانشجویی و الگوهای رفتاری شکل‌گرفته در آغاز ورود به دانشگاه را نشان می‌دهد (Zadarko-Domaradzka, 2018). بر این اساس، ماه‌های اولیه ورود به دانشگاه می‌تواند دوره‌ای مناسب برای مداخلات پیشگیرانه فرهنگی و اجتماعی باشد.

در رویکرد فرهنگی، هدف تنها افزایش آگاهی درباره زیان‌های مواد نیست، بلکه تلاش می‌شود نگرش‌ها، باورها، هنجارهای ادراک‌شده و تعاریف اجتماعی مرتبط با مصرف نیز تحت تأثیر قرار گیرند. اگر دانشجویان تصور کنند که مصرف مواد در میان همسالان امری رایج، پذیرفته‌شده یا بخشی از زندگی دانشجویی است، احتمال پذیرش چنین رفتارهایی می‌تواند افزایش یابد. در مقابل، برجسته‌سازی هنجارهای سالم، معرفی الگوهای مثبت، افزایش مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد فرصت‌های جایگزین برای تفریح و تعامل اجتماعی می‌تواند فرهنگ دانشگاه را در جهت پیشگیری تغییر دهد. این مسئله به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که مداخلات متناسب با ارزش‌ها و ترجیحات نسل جدید طراحی شوند. برنامه‌های سنتی و یک‌طرفه، اگر فاقد ارتباط با تجربه زیسته دانشجویان باشند، ممکن است تأثیر محدودی داشته باشند. در مقابل، رسانه‌های دانشجویی، شبکه‌های اجتماعی، پادکست‌ها، رویدادهای فرهنگی و فعالیت‌های مشارکتی می‌توانند پیام‌های پیشگیرانه را در قالبی جذاب‌تر و متناسب با شیوه ارتباطی دانشجویان منتقل کنند.

همچنین، مدل اجتماعی-اکولوژیکی امکان آن را فراهم می‌کند که مصرف مواد نه در یک سطح، بلکه در تعامل میان سطوح فردی، بین‌فردی، سازمانی و اجتماعی بررسی شود. در چنین چارچوبی، دانشجو تحت تأثیر قابلیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های شخصی خود قرار دارد، اما این عوامل در خلأ عمل نمی‌کنند؛ کیفیت روابط خانوادگی و همسالان، قواعد و هنجارهای دانشگاه، دسترسی به حمایت‌های روان‌شناختی، فرصت مشارکت اجتماعی و شرایط کلان اجتماعی و اقتصادی نیز در رفتار او نقش دارند. از این منظر، افزایش مهارت مقابله با استرس در یک دانشجو ممکن

است زمانی اثر بیشتری داشته باشد که هم‌زمان خانواده حمایتگر، گروه همسالان سالم و محیط دانشگاهی بازدارنده از مصرف مواد نیز وجود داشته باشد. به همین ترتیب، سیاست‌های دانشگاهی بدون آموزش و مشارکت دانشجویان ممکن است به نتایج محدودی منجر شوند. بنابراین، اثربخشی پیشگیری وابسته به هماهنگی مداخلات در چند سطح و ایجاد هم‌افزایی میان عوامل محافظتی است.

بعد اجتماعی و اقتصادی نیز نباید از طراحی مداخلات فرهنگی حذف شود. مشکلات اقتصادی، ناامنی شغلی، فشارهای معیشتی، کاهش امید به آینده و محدودیت فرصت‌های اجتماعی می‌توانند زمینه روانی و اجتماعی رفتارهای پرخطر را تشدید کنند. اگرچه مداخلات فرهنگی به‌تنهایی قادر به رفع چنین مشکلات ساختاری نیستند، اما اثربخشی آنها ممکن است تحت تأثیر شرایط عمومی زندگی دانشجویان قرار گیرد. یافته‌های مطالعات بین‌المللی در زمینه شیوع و عوامل همراه مصرف مواد نشان می‌دهد که پدیده مصرف در محیط دانشگاه نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل است و برنامه‌های پیشگیری باید به شرایط زمینه‌ای جامعه هدف حساس باشند (Blows & Isaacs, 2022; Kahsay et al., 2022).

بنابراین، سیاست‌های دانشگاهی پیشگیری از اعتیاد زمانی می‌توانند پایدارتر باشند که در کنار برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، دسترسی به مشاوره، حمایت اجتماعی، تسهیلات رفاهی و فرصت‌های مشارکت سالم نیز تقویت شود.

با وجود گسترش پژوهش‌های مربوط به شیوع و عوامل خطر مصرف مواد، بخش قابل توجهی از مطالعات موجود بر سنجش میزان مصرف یا تعیین همبسته‌های آن متمرکز بوده‌اند. اگرچه این مطالعات برای شناخت ابعاد مسئله ضروری هستند، اما برای طراحی برنامه‌های عملیاتی باید دیدگاه متخصصان و افراد آشنا با بافت دانشگاهی نیز مورد بررسی قرار گیرد. رویکردهای کیفی در این زمینه امکان شناسایی معانی، تجارب و برداشت‌هایی را فراهم می‌کنند که ممکن است در مطالعات کمی به‌طور کامل آشکار نشوند. تحلیل مضمون یکی از روش‌های مناسب برای سازمان‌دهی نظام‌مند داده‌های کیفی و استخراج الگوهای مفهومی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است؛ با این حال، اعتبار آن مستلزم شفافیت در فرایند کدگذاری، بازبینی مضامین و رعایت معیارهای اعتمادپذیری است (Nowell et al., 2017). استفاده از چنین رویکردی در مطالعه مداخلات فرهنگی می‌تواند به شناسایی راهبردهایی منجر شود که علاوه بر برخورداری از پشتوانه نظری، با ویژگی‌های واقعی محیط دانشگاه و تجربه متخصصان نیز سازگار باشند.

در مجموع، شواهد موجود نشان می‌دهد که مصرف مواد در میان دانشجویان یک پدیده چندبعدی و وابسته به تعامل ویژگی‌های فردی، عوامل روان‌شناختی، روابط خانوادگی، نفوذ همسالان، هنجارهای دانشگاهی و شرایط اجتماعی است (Armoon et al., 2022; Taremian et al., 2018). مطالعات بین‌المللی نیز بر این نکته تأکید دارند که تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند هم الگوهای مصرف و هم اثربخشی برنامه‌های پیشگیری را تحت تأثیر قرار دهند (Welsh et al., 2019; Yi et al., 2017). بر همین اساس، تدوین مداخلات فرهنگی برای دانشجویان ایرانی مستلزم عبور از برنامه‌های تک‌سطحی و حرکت به سوی چارچوبی است که آموزش و توانمندسازی فردی را با تقویت روابط حمایتگر، مشارکت گروه‌های دانشجویی، اصلاح هنجارهای محیط دانشگاه، بهره‌گیری از رسانه‌ها و توجه به شرایط اجتماعی پیوند دهد. چنین چارچوبی می‌تواند مبنای مناسب‌تری برای برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها، مراکز مشاوره و نهادهای فرهنگی فراهم آورد و به جای تمرکز صرف بر جلوگیری از رفتار مصرف، عوامل محافظتی را در سطوح مختلف زندگی دانشجویان تقویت کند.

بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین راهبردهای مداخلات فرهنگی برای پیشگیری از مصرف مواد در میان دانشجویان ایرانی و تعیین مؤلفه‌های این مداخلات در سطوح مختلف مدل اجتماعی-اکولوژیکی انجام شد.

روش‌شناسی

این پژوهش به روش کیفی و با راهبرد تحلیل مضمون انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان شامل اعضای هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، کارکنان شاغل در مرکز مشاوره دانشگاه و تعدادی از محققان پژوهشکده علوم رفتاری بودند. محققان از استراتژی نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی استفاده کردند تا با افرادی که بیشترین دانش و موقعیت سازمانی مرتبط با حوزه تحقیق را داشتند،

تعامل برقرار شود. برخلاف روش پژوهش کمی، که نمونه‌های بررسی در ابتدا مشخص هستند در روش‌های کیفی پژوهش تعداد نمونه‌ها که در این نوع پژوهش به آن‌ها مشارکت کنندگان گفته می‌شود در جریان پژوهش مشخص می‌شود و تا زمانی ادامه می‌یابد که به اشباع نظری برسد. به این معنا که داده جدیدی بعد از مصاحبه با مشارکت کنندگان به دست نیاید. مصاحبه با ۱۱ نفر از متخصصان، مدیران دانشگاه و مشاوران روان‌شناسی انجام شد که تجربه پیشین مرتبط با روش‌های فرهنگی پیشگیری از مصرف مواد در دانشگاه و خوابگاه‌ها را دارا باشند. برای اطمینان از روایی نتایج بدست آمده در بخش کیفی پژوهش، از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موزی^۱ استفاده شد. به این ترتیب که مدل‌های استخراج شده بعد از تدوین به یک متخصص روانشناسی و دو متخصص مدیریت فرهنگی ارائه گردید و در مورد کاستی‌ها و مرور تم‌ها بررسی دقیق به عمل آمد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است. مصاحبه‌های شرکت کنندگان در محل کارشان در یک روز از پیش تعیین‌شده و مورد توافق طرفین انجام شد. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته با سوالات باز انجام شد. محققان برای صحبت و ایجاد آشنایی اولیه با مصاحبه‌شوندگان، تماس تلفنی برقرار کردند. سوالات یک روز قبل از جلسه برای شرکت‌کنندگان ایمیل شد. بر اساس اطلاعات جدول ۱، ۶ نفر از مشارکت کنندگان دارای مدرک تحصیلی در رشته روانشناسی، ۲ نفر رشته علوم پزشکی و ۳ نفر هم رشته علوم تربیتی بودند. ۲ نفر دارای تجربه کاری ۵ تا ۱۰ سال، ۳ نفر ۱۱ تا ۱۶ سال و ۶ نفر هم ۱۷ تا ۲۱ سال. از این میان ۷ نفر دارای مدرک دکتری و ۴ نفر دارای مدرک فوق لیسانس بودند.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

متغیر جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
رشته تحصیلی		
روانشناسی	۶	۵۴
علوم پزشکی	۲	۱۸
علوم تربیتی	۳	۲۷
تجربه کاری		
۵-۱۰ سال	۲	۱۸
۱۱-۱۶ سال	۳	۲۷
۱۷-۲۱ سال	۶	۵۴
سطح تحصیلات		
فوق لیسانس	۳	۲۷
دکتری	۷	۶۳

داده‌های مورد نظر با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته به دست آمد که پرسش‌های آن به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- دانشگاه‌ها چه مداخلات فرهنگی را می‌توانند در زمینه پیشگیری از اعتیاد دانشجویان به کار گیرند؟
 - ۲- در سطح بین فردی، مهم‌ترین افراد در ارتباط با دانشجویان چه کسانی هستند و مداخلات فرهنگی چگونه می‌توانند برای پیشگیری از اعتیاد مؤثر باشند؟
 - ۳- در سطح اجتماعی، چه نوع مداخلات فرهنگی را می‌توان برای پیشگیری از اعتیاد اجرا کرد؟
 - ۴- با توجه به جامعه دانشگاه و محیط خود دانشجویان چه راهبردهای فرهنگی را برای پیشگیری از مصرف مواد پیشنهاد می‌کنید؟
 - ۵- در سطح کلان اجتماع چه راهبردهایی را پیشنهاد می‌کنید؟
- داده‌ها در ماه‌های آذر و دی ۱۴۰۴ جمع‌آوری شدند. مدت زمان هر مصاحبه تقریباً ۲۰ تا ۴۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه یافت.

برای انجام این پژوهش، پنج مرحله توسط محققان تعریف شد. در مرحله اول، مقالات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه مداخلات فرهنگی برای پیشگیری از اعتیاد مورد بررسی قرار گرفت با این هدف که نسبت به موضوع مورد بررسی و قلمرو آن آشنایی صورت گیرد. در مرحله دوم محققان با توجه به چارچوب ایجاد شده ذهنی، پرسش‌های مصاحبه را طراحی و تنظیم نمودند و در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار دادند و در جلسه‌ای هماهنگ شده مصاحبه‌ها انجام گردید. داده‌های گردآوری شده به دقت پیاده‌سازی گردید و بر اساس چارچوب اجتماعی-اکولوژیک کدگذاری گردید و در نهایت مدل مورد نظر استخراج گردید.

یافته‌ها

۸

در تحقیقات کیفی، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و نوشتن گزارش اغلب به هم مرتبط هستند. با این حال، در این مطالعه، روش تحقیق در پنج مرحله انجام شد که به شرح زیر است:

مرحله ۱: آشنایی با داده‌ها و ایجاد مفاهیم

داده‌های کیفی به صورت فایل‌های صوتی ضبط شده ارائه شدند. برای تعامل با داده‌ها، چندین بار تمام مصاحبه‌ها را رونویسی و مطالعه شد. نقل قول‌های کلیدی برجسته شدند و تمام داده‌ها (فایل‌های صوتی، رونویسی‌ها) با تاریخ بایگانی شدند (نول و همکاران، ۲۰۱۷).

مرحله ۲: تولید کدهای اولیه

برای این منظور، متن مصاحبه‌ها به پاراگراف تبدیل شدند، موارد غیرضروری حذف و در ۹۹ عبارت خلاصه شدند. سپس، مفاهیم تکراری حذف و ۸۰ عبارت نهایی استخراج شد. کدهای اولیه توسط محقق و دو استاد دانشگاه استخراج شدند تا از تعامل با داده‌ها اطمینان حاصل شود.

مرحله ۳: جستجوی مضامین

مضامین با کنار هم قرار دادن اجزای ایده‌هایی که هنگام مشاهده به تنهایی معنادار هستند، شناسایی می‌شوند. در این مرحله، یک رویکرد قیاسی (با توجه به این که چارچوب مدل اجتماعی-اکولوژیک برای مضامین اصلی انتخاب شدند) برای تحلیل داده‌ها اتخاذ شد.

مرحله ۴: بررسی مضمون

در این مرحله، مضامین شناسایی شده اصلاح شدند تا از تشکیل یک الگوی منسجم اطمینان حاصل شود. محققان آن‌ها را تجزیه و تحلیل کردند تا مشخص شود که آیا آن‌ها به طور دقیق معنای داده‌ها را منعکس می‌کنند یا خیر (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

مرحله ۵: تعریف و نامگذاری مضامین

این مرحله بر نامگذاری مضامین و توقف توسعه مضمون تمرکز دارد. برای اطمینان از اعتبار، جمع‌آوری نظرات همکاران انجام شد. متعاقباً، همه گروه‌های زیرمضامین در یک مضمون اصلی ترکیب شدند. همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد، بر اساس تحلیل‌های انجام شده، چهار مضمون فراگیر، هفت مضمون سازمان‌دهنده و یازده مضمون پایه استخراج شد.

جدول ۲: تحلیل مضمون برای رسیدن به شناسایی مداخلات فرهنگی پیشگیری از اعتیاد

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
مداخلات مبتنی بر فرهنگ و مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و هنجارهای اجتماعی، پتانسیل تغییر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف مواد و کاهش انگیزه آنها برای شروع یا ادامه مصرف مواد را دارند.	ارزش‌ها، باورها و هنجارهای اجتماعی	سطح فردی
در سطح فردی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوعات مختلف می‌تواند واقعاً مفید باشد. به عنوان مثال، جلساتی در مورد مهارت‌های مقابله، مدیریت استرس، خودکنترلی و حتی عزت نفس می‌تواند دانشجویان را برای مدیریت بهتر فشارها و	کارگاه‌های آموزشی و داستان‌سرایی	

وسوسه‌های زندگی دانشجویی مجهز کند و احتمال روی آوردن به مصرف مواد را کاهش دهد.		
سطح بین فردی	محیط حمایتی، خانواده‌ها و همسالان	مداخلات فرهنگی به دانشجویان کمک می‌کند تا در یک محیط حمایتی که توسط هنجارهای اجتماعی مثبت شکل گرفته است، قرار گیرند و اثرات پیشگیرانه آن، به ویژه هنگامی که خانواده‌ها و همسالان در این مداخلات مشارکت دارند، تقویت می‌شود.
	سازماندهی اردوها	در سطح بین فردی، برگزاری اردوها می‌تواند بسیار مفید باشد. وقتی دانشجویان فعالیت‌های مثبت و تفریحی در گروه‌های همسالان شرکت می‌کنند، نه تنها حمایت اجتماعی کسب می‌کنند، بلکه مهارت‌های زندگی سالم را نیز تقویت می‌کنند که خود به عنوان راهی برای پیشگیری از مصرف مواد عمل می‌کند.
سطح اجتماعی	هنجارهای دانشگاه	مداخلات فرهنگی می‌توانند هنجارهای دانشگاه را شکل دهند، دسترسی به مواد را محدود کنند و رفتارهای سالم را تقویت کنند. چنین مداخلاتی دانشجویان را در محیطی قرار می‌دهند که در آن مصرف مواد نه تنها نامطلوب، بلکه ناسازگار با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود.
	به طور همزمان در سطوح فردی، بین فردی و اجتماعی اجرا می‌شود	مداخلات فرهنگی زمانی بیشترین اثربخشی را دارند که همزمان در سطوح فردی، بین فردی و اجتماعی اجرا شوند. به عبارت دیگر، ترکیب تغییرات در نگرش‌های فردی با حمایت همسالان و سیاست‌های نهادی، احتمال موفقیت برنامه پیشگیری را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد.
سطح فردی	ارتقای سلامت روان خودکنترلی	مداخلات فرهنگی نه تنها به کاهش مصرف مواد کمک می‌کنند، بلکه سلامت روان را ارتقا می‌دهند، خودکنترلی را بهبود می‌بخشند و محیط دانشگاهی سالم‌تری را پرورش می‌دهند. بنابراین، توجه ویژه به فرهنگ، هنجارها و ارزش‌های دانشجویان در طراحی برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد ضروری است.
سطح فردی	کارگاه‌های آموزشی با رویکرد فرهنگی و مذهبی	کارگاه‌های آموزشی مبتنی بر فرهنگ و مذهب می‌توانند عزت نفس، خودکنترلی و توانایی‌های مدیریت استرس دانشجویان را افزایش دهند، در حالی که انگیزه آنها را برای مصرف مواد کاهش می‌دهند.
سطح بین فردی	برنامه‌هایی که همزمان خانواده‌ها و گروه‌های همسالان را درگیر می‌کنند، اثرات پیشگیرانه بیشتری دارند، زیرا هنجارهای مثبت فرهنگی و اجتماعی را تقویت کرده و فشار همسالان را برای مصرف مواد کاهش می‌دهند.	برنامه‌هایی که همزمان خانواده‌ها و گروه‌های همسالان را درگیر می‌کنند، اثرات پیشگیرانه بیشتری دارند، زیرا هنجارهای مثبت فرهنگی و اجتماعی را تقویت کرده و فشار همسالان را برای مصرف مواد کاهش می‌دهند.
سطح اجتماعی	این مداخلات شامل سیاست‌های دانشگاه، ابتکارات آموزشی، کمپین‌های آگاهی‌بخشی و تلاش برای ترویج زندگی سالم می‌شود.	در سطوح اجتماعی و نهادی، مداخلات فرهنگی می‌توانند محیط دانشگاه را به گونه‌ای شکل دهند که مصرف مواد را مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی غالب جلوه دهند. این مداخلات شامل سیاست‌های دانشگاه، ابتکارات آموزشی، کمپین‌های آگاهی‌بخشی و تلاش برای ترویج زندگی سالم می‌شود.
سطح بین فردی	افزایش توانایی مقابله با فشار همسالان	کاهش نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد و افزایش توانایی مقابله با فشار همسالان

یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کند که به دلیل تورم شدید اخیر در ایران، مداخلات فرهنگی برای پیشگیری از اعتیاد تأثیر کمی دارد، زیرا مردم در درجه اول نگران بقا هستند و تا حد زیادی چنین پیام‌هایی را نادیده می‌گیرند.

"...ببینید، تا زمانی که وضعیت اقتصادی کشور بسیار ناپایدار و سطح زندگی بسیار پایین است، هر میزان مداخله فرهنگی یا آموزشی برای پیشگیری از اعتیاد تقریباً هیچ تأثیر واقعی نخواهد داشت. دلیل آن ساده است: وقتی مردم با مشکلات شدید اقتصادی، بیکاری، فقر یا فقدان امنیت اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند، ذهن و انرژی آنها کاملاً بر زنده ماندن روزمره متمرکز است. در این شرایط، پیام‌هایی در مورد

سبک زندگی سالم یا خطرات اعتیاد به سستی به آنها می‌رسد، زیرا اولویت‌های آنها جای دیگری است. به عبارت دیگر، حتی بهترین کمپین‌ها و برنامه‌های آموزشی، بدون حمایت اقتصادی و اجتماعی، فقط قطره‌هایی در اقیانوس هستند. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مداخلات فرهنگی و آموزش به تنهایی مشکل را حل کنند، زمانی که محیط اجتماعی و اقتصادی مردم حمایت‌کننده نیست. بنابراین، اگر واقعاً می‌خواهیم پیشگیری مؤثر باشد، ابتدا باید ساختارهای اقتصادی و رفاه اجتماعی را تقویت کنیم و تنها پس از آن مداخلات فرهنگی را اجرا کنیم...."

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت که دانشگاه‌ها باید مداخلات فرهنگی خود را از طریق خود دانشجویان و با استفاده از ابزارهای آنها بنا کنند. این رویکرد نه تنها بسیار مؤثر است، بلکه به زمان و منابع مالی کمتری برای دانشگاه نیاز دارد.

"... دانشگاه‌ها واقعاً می‌توانند از پلتفرم‌های دانشجویی برای ترویج سبک زندگی سالم و عاری از اعتیاد استفاده کنند. به عنوان مثال، آنها می‌توانند پادکست ایجاد کنند یا از رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های دانشجویی برای رساندن پیام‌های فرهنگی و آموزشی به طور مستقیم به دانشجویان استفاده کنند. به این ترتیب، جذاب‌تر است و احتمال تأثیرگذاری بیشتری دارد...."

از جمله برنامه‌های پیشگیری در شش کشور عضو آسه‌آن، آموزش فردی، فعالیت‌های گروهی و کمپین‌های سراسری دانشگاه بوده است که این مداخلات منجر به کاهش ۱۵ تا ۲۰ درصدی مصرف مواد در بین دانشجویان شده است (یی و همکاران، ۲۰۱۷). بودن و دی (۲۰۲۳) اظهار داشت که با اجرای کمپین‌ها و سیاست‌های فرهنگی و آموزشی، دانشگاه محیطی را ایجاد کرده است که در آن مصرف مواد هم نامطلوب و هم خلاف هنجارهای اجتماعی تلقی می‌شود. در نتیجه، رفتارهای سالم در خوابگاه‌ها و زندگی دانشجویی طبیعی و به طور گسترده پذیرفته شده‌اند. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان تأکید کرد که مداخلات فرهنگی باید با دیدگاه‌های خود دانشجویان همخوانی داشته باشد - به عنوان مثال، رویکردهای سنتی مذهبی ممکن است به اندازه کافی مؤثر نباشند.

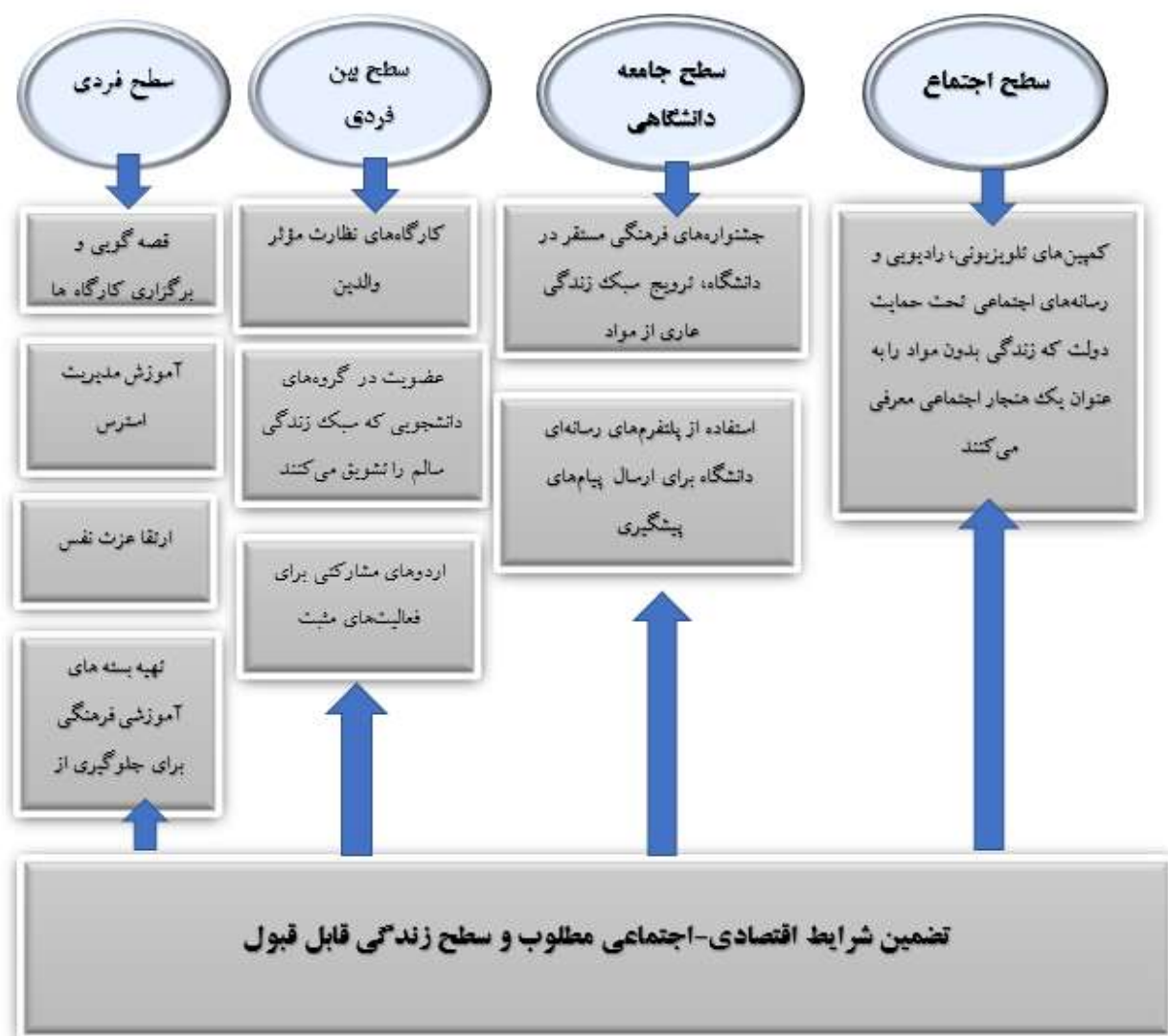
"ببینید، واقعاً مهم است که مداخلات فرهنگی دانشگاه با دیدگاه‌های خود دانشجویان همسو باشد. اگر فقط به روش سنتی بر دین تمرکز کنیم، اغلب مؤثر نخواهد بود، زیرا دانشجویان با رویکردهای قدیمی ارتباط برقرار نمی‌کنند. ما باید راه‌هایی برای ارائه این پیام‌ها به روشی جذاب و قابل درک برای آنها پیدا کنیم تا بتوانند واقعاً تأثیر بگذارند.

کمک به دانشجویان در شناسایی توانایی‌ها و اهداف زندگی‌شان می‌تواند مسیر مؤثری برای جلوگیری از گرایش به اعتیاد فراهم کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت که فقدان چنین جهت و هدفی، عامل مؤثری در روی آوردن افراد به مصرف مواد است.

«افراد به اعتیاد روی نمی‌آورند نه به این دلیل که همه چیز خوب است، بلکه به این دلیل که نمی‌توانند خودشان را تحمل کنند! خستگی از زندگی روزمره، فشار عاطفی یا فقدان انگیزه اغلب آنها را به سمت جستجوی راه فراری از طریق مواد سوق می‌دهد.»

خانواده‌ها، و به ویژه والدین، نقش کلیدی در پیشگیری از اعتیاد از طریق روابط بین فردی دارند. برای انجام مؤثر این کار، آنها باید در مورد ارتباط و نظارت راهنمایی دریافت کنند و دانشگاه‌ها باید چنین برنامه‌هایی را، به ویژه برای والدین دانشجویان جدید، ارائه دهند.

مدل استخراج شده در شکل ۱ نشان داده شده است. این مدل چهار مضمون فراگیر برنامه‌های مداخله فرهنگی برای پیشگیری از مصرف مواد را شناسایی کرد: مداخلات در سطح فردی، مداخلات بین فردی، مداخلات مبتنی بر جامعه و مداخلات در سطح اجتماعی.



شکل ۱: مدل اجتماعی-اکولوژیکی مداخلات فرهنگی برای پیشگیری از اعتیاد به مواد در دانشجویان ایرانی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین راهبردهای مداخلات فرهنگی برای پیشگیری از مصرف مواد در میان دانشجویان ایرانی بر اساس مدل اجتماعی-اکولوژیکی انجام شد. نتایج تحلیل مضمون نشان داد که راهبردهای پیشگیرانه فرهنگی را می‌توان در چهار سطح اصلی شامل مداخلات فردی، مداخلات بین‌فردی، مداخلات مبتنی بر جامعه دانشگاهی و مداخلات در سطح اجتماعی سازمان‌دهی کرد. در سطح فردی، یافته‌ها بر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت استرس، خودتنظیمی، ارتقای عزت‌نفس، اصلاح نگرش دانشجویان نسبت به مواد، استفاده از کارگاه‌های آموزشی و قصه‌گویی و نیز ارائه آموزش‌هایی متناسب با فرهنگ و ارزش‌های دانشجویان تأکید داشتند. در سطح بین‌فردی، مشارکت خانواده و همسالان، آموزش نظارت مؤثر به والدین، تشویق دانشجویان به عضویت در گروه‌های سلامت‌محور و برگزاری اردوها و فعالیت‌های مشارکتی مثبت برجسته بود. در سطح جامعه دانشگاهی، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، استفاده از ظرفیت رسانه‌های دانشگاه و تولید محتوای پیشگیرانه توسط خود دانشجویان مورد تأکید قرار گرفت. در سطح اجتماعی نیز اجرای کمپین‌های تلویزیونی، رادیویی و رسانه‌ای برای معرفی

زندگی عاری از مواد به عنوان یک هنجار مطلوب و پذیرفته شده شناسایی شد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان دادند که اثربخشی و پایداری این مداخلات می‌تواند به شرایط اقتصادی - اجتماعی، سطح رفاه و میزان ثبات محیط اجتماعی وابسته باشد.

نخستین یافته مهم پژوهش آن بود که پیشگیری از مصرف مواد در دانشجویان باید از سطح فردی آغاز شود، اما نباید در این سطح متوقف بماند. مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که افزایش آگاهی، مدیریت استرس، ارتقای عزت نفس، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، خودکنترلی و تقویت انگیزه برای داشتن سبک زندگی سالم از پایه‌های پیشگیری مؤثر محسوب می‌شوند. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند متغیرهای روان‌شناختی فردی، از جمله استرس، اضطراب، ویژگی‌های شخصیتی و توانایی مقابله با هیجان‌های منفی، با احتمال مصرف مواد در میان دانشجویان ارتباط دارند (Blows & Isaacs, 2022; Kahsay et al., 2022). همچنین، مرور شواهد مربوط به دانشجویان ایرانی نشان داده است که عوامل فردی و روان‌شناختی سهم مهمی در گرایش به مصرف مواد دارند و برنامه‌های پیشگیری باید به جای تمرکز صرف بر انتقال اطلاعات، بر تقویت مهارت‌های فردی نیز تأکید کنند (Armoon et al., 2022). بر این اساس، کارگاه‌های مهارت زندگی، تنظیم هیجان، مدیریت فشار روانی و خودکنترلی می‌توانند به عنوان اجزای محوری مداخلات فرهنگی در محیط دانشگاهی تلقی شوند. در تبیین بیشتر این یافته، می‌توان گفت که مصرف مواد در بسیاری از موارد می‌تواند به عنوان نوعی راهبرد ناسازگارانه برای مقابله با تنش، ناکامی یا فشارهای روزمره عمل کند. دانشجویی که از مهارت‌های مؤثر برای تنظیم هیجان و مقابله با فشارهای تحصیلی و بین فردی برخوردار نیست، ممکن است در مواجهه با شرایط تنش‌زا آسیب‌پذیری بیشتری در برابر مصرف مواد داشته باشد. پژوهش محمدی احمدآبادی و همکاران نشان داده است که وقایع استرس‌زای زندگی می‌توانند در رابطه میان برخی ویژگی‌های شخصیتی و آمادگی برای اعتیاد نقش میانجی داشته باشند (Mohammadi Ahmadabadi & Golestaninejad, 2020). همچنین، نتایج پژوهش حسینی و همکاران نشان داده است که تنظیم شناختی هیجان در ارتباط میان سبک‌های تصمیم‌گیری و آمادگی برای اعتیاد نقش مهمی دارد (Hosseini et al., 2019). از سوی دیگر، یافته‌های مربوط به صفات تاریک شخصیت نیز حاکی از آن است که برخی ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند با آسیب‌پذیری بیشتر نسبت به اعتیاد همراه باشند (Yousefi & Teymouri, 2019). بنابراین، تأکید مشارکت‌کنندگان این پژوهش بر آموزش خودشناسی، تنظیم هیجان، مدیریت استرس و تقویت عزت نفس را می‌توان پاسخی مناسب به یکی از سطوح مهم عوامل خطر دانست.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که نگرش دانشجویان نسبت به مصرف مواد و برداشت آنان از مطلوبیت یا عادی بودن مصرف، یکی از محورهای اصلی مداخلات فرهنگی است. این نتیجه با پژوهش‌هایی همخوان است که بر نقش دانش، باورها و نگرش‌های مرتبط با مواد تأکید کرده‌اند. نتایج Alves و همکاران نشان داد که میزان آگاهی درباره مواد، وضعیت زندگی و به‌ویژه نفوذ همسالان با مصرف مواد غیرقانونی در میان دانشجویان ارتباط دارد (Alves et al., 2021). همچنین، پژوهش Direkvand-Moghadam و همکاران نیز نشان داده است که رفتار مصرف مواد در دانشجویان با مجموعه‌ای از عوامل فردی و محیطی همراه است و نمی‌توان آن را صرفاً بر مبنای دسترسی یا کنجکاوی توضیح داد (Direkvand-Moghadam et al., 2020). در نتیجه، مداخلات فرهنگی باید علاوه بر ارائه اطلاعات درباره پیامدهای مصرف، ادراک دانشجویان از هنجارهای اجتماعی، میزان پذیرش اجتماعی مصرف و نگرش آنان به سبک زندگی بدون مواد را نیز هدف قرار دهند.

در همین راستا، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که استفاده از شیوه‌های سنتی، مستقیم و صرفاً نصیحت‌محور ممکن است با ویژگی‌های نسل دانشجو سازگاری کافی نداشته باشد. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که پیام‌های فرهنگی باید با زبان، ارزش‌ها، علایق و شیوه‌های ارتباطی دانشجویان هماهنگ شوند. این یافته را می‌توان در پرتو مطالعاتی تبیین کرد که بر تفاوت‌های فرهنگی و بافتی در مصرف مواد تأکید دارند. مطالعات انجام‌شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که شیوع و عوامل مرتبط با مصرف مواد در میان دانشجویان از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت است (Alsammak, 2023; Essadi et al., 2024; Kabbash, 2022). بنابراین، اثربخشی مداخله زمانی افزایش می‌یابد که نه تنها محتوای آن علمی باشد، بلکه شکل ارائه آن نیز با زمینه فرهنگی و تجربه زیسته دانشجویان تطابق داشته باشد. این موضوع به‌ویژه

در دانشگاه‌های ایران اهمیت دارد؛ زیرا مداخلاتی که نتوانند میان ارزش‌های فرهنگی و سبک ارتباطی نسل جدید پیوند برقرار کنند، ممکن است از سوی دانشجویان به‌عنوان پیام‌هایی دور از تجربه واقعی آنان تلقی شوند.

دومین محور اصلی یافته‌ها مربوط به سطح بین‌فردی و نقش خانواده و همسالان بود. یافته‌ها نشان دادند که خانواده، به‌ویژه والدین، حتی در دوران دانشجویی همچنان می‌تواند نقش محافظتی مهمی داشته باشد. آموزش نظارت مؤثر، ارتباط حمایتگر و آگاهی‌بخشی به والدین، به‌خصوص والدین دانشجویان تازه‌وارد، به‌عنوان یکی از راهبردهای پیشگیری شناسایی شد. این یافته با نتایج پژوهش Hamednia و همکاران همسو است که نشان دادند دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی می‌تواند هم به‌طور مستقیم و هم از طریق نگرش نسبت به مواد با آمادگی برای اعتیاد ارتباط داشته باشد (Hamednia et al., 2017). همچنین، یافته‌های Shariatirad نشان داده‌اند که عوامل خانوادگی، همسالان و ویژگی‌های فردی به‌صورت همزمان در شکل‌گیری رفتار مصرف مواد در دانشجویان نقش دارند (Shariatirad, 2018). بنابراین، خانواده را نباید تنها به‌عنوان یک عامل بیرونی در نظر گرفت، بلکه کیفیت رابطه والد - فرزند و نوع نظارت و حمایت می‌تواند بخشی از شبکه محافظتی دانشجو در برابر مصرف مواد باشد.

نقش همسالان نیز در یافته‌های این پژوهش برجسته بود. مشارکت‌کنندگان بیان کردند که گروه‌های دوستی، همکلاسی‌ها و دانشجویان خوابگاهی می‌توانند هم عامل خطر و هم ظرفیت پیشگیری باشند. این نتیجه با نتایج مطالعات بین‌المللی هماهنگ است. Yi و همکاران در بررسی دانشجویان کشورهای عضو آسه‌آن نشان دادند که عوامل اجتماعی و بین‌فردی از جمله روابط همسالان با مصرف مواد غیرقانونی ارتباط دارند (Yi et al., 2017). Alves و همکاران نیز نفوذ همسالان را از عوامل مهم مرتبط با مصرف مواد در میان دانشجویان دانسته‌اند (Alves et al., 2021). پژوهش Tareman و همکاران نیز در میان دانشجویان ایرانی بر نقش عوامل خانوادگی و همسالان در کنار سایر عوامل خطر و محافظتی تأکید کرده است (Tareman et al., 2018). بر این اساس، یکی از نقاط قوت مدل پیشنهادی پژوهش حاضر آن است که همسالان را نه فقط به‌عنوان منشأ فشار اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک منبع مداخله در نظر می‌گیرد؛ به‌طوری که ایجاد گروه‌های دانشجویی سلامت‌محور، فعالیت‌های جمعی سالم و برنامه‌های همتا به همتا می‌تواند هنجارهای مثبت را در شبکه دانشجویی تقویت کند.

یافته مربوط به نقش جامعه دانشگاهی نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود. برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، تولید پادکست و محتوای رسانه‌ای توسط دانشجویان، استفاده از شبکه‌های اجتماعی دانشگاه و گسترش پیام‌های پیشگیرانه از طریق رسانه‌های دانشجویی از راهبردهای پیشنهادی بود. این یافته با دیدگاهی همسو است که دانشگاه را نه صرفاً یک محل آموزش، بلکه یک محیط اجتماعی شکل‌دهنده رفتار می‌داند. مطالعات Welsh و همکاران نشان داده‌اند که مصرف مواد در محیط دانشگاه تحت تأثیر طیف گسترده‌ای از عوامل رفتاری، اجتماعی و محیطی قرار دارد (Welsh et al., 2019). Boden و Day نیز در مرور خود بر مصرف مواد غیرقانونی در دانشجویان بریتانیا و ایرلند نشان دادند که فرهنگ دانشگاه، دسترسی به مواد و تعاملات اجتماعی در شکل‌گیری رفتار مصرف نقش دارند (Boden & Day, 2023). از این رو، تغییر در فضای فرهنگی دانشگاه می‌تواند به اندازه آموزش‌های مستقیم فردی اهمیت داشته باشد؛ زیرا هنجارهای حاکم بر محیط دانشگاه می‌توانند رفتارهای سالم را عادی و رفتارهای مرتبط با مصرف مواد را نامطلوب سازند.

همچنین، تأکید بر برگزاری رویدادها، فعالیت‌های تفریحی سالم و ایجاد زمینه‌های مشارکت اجتماعی با نتایج Zadarko-Domaradzka همخوان است که نشان داده است الگوهای مصرف الکل و رفتارهای مرتبط در میان دانشجویان سال اول با شرایط اجتماعی و سبک زندگی دانشجویی ارتباط دارد (Zadarko-Domaradzka, 2018). اهمیت این موضوع در سال‌های نخست ورود به دانشگاه بیشتر است؛ زیرا در این دوره دانشجویان در حال ایجاد شبکه‌های اجتماعی تازه و بازتعریف سبک زندگی خود هستند. بنابراین، اگر دانشگاه بتواند در همان مراحل ابتدایی ورود، فرصت‌های جذاب، جمعی و سلامت‌محور برای دانشجویان فراهم کند، احتمال شکل‌گیری پیوند با گروه‌های مثبت و کاهش عادی‌سازی مصرف مواد بیشتر خواهد شد.

در سطح اجتماعی، یافته‌ها بر استفاده از رسانه‌های عمومی و کمپین‌های فرهنگی برای ترویج سبک زندگی عاری از مواد تأکید داشتند. این یافته نشان می‌دهد که پیام‌های دانشگاهی زمانی اثرگذارتر می‌شوند که در سطح کلان نیز توسط هنجارها و پیام‌های اجتماعی تقویت شوند. مطالعات انجام‌شده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که الگوی مصرف مواد در دانشگاه‌ها تا حدی بازتاب زمینه اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر جامعه است (Fareed et al., 2026; Sampaio et al., 2024). از این منظر، اگر پیام‌های دانشگاهی در تعارض با الگوهای رسانه‌ای یا هنجارهای غالب جامعه باشند، پایداری اثر آنها کاهش می‌یابد. بنابراین، هماهنگی میان دانشگاه، رسانه، خانواده و نهادهای اجتماعی می‌تواند به ایجاد یک محیط حمایتی گسترده‌تر منجر شود.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، نقش شرایط اقتصادی - اجتماعی در اثربخشی مداخلات فرهنگی بود. برخی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که در شرایط فشار اقتصادی شدید، بیکاری، کاهش رفاه و ناامنی اجتماعی، پیام‌های پیشگیرانه ممکن است اولویت کمتری برای افراد داشته باشند. این یافته را می‌توان در چارچوب اجتماعی-کولوژیکی تفسیر کرد؛ زیرا این مدل بر آن است که رفتار فردی در تعامل با سطوح گسترده‌تر محیطی شکل می‌گیرد. مطالعات انجام‌شده در آفریقای جنوبی، اتیوپی، اردن و دیگر جوامع نیز نشان داده‌اند که شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی بخشی از زمینه شکل‌گیری رفتار مصرف مواد را تشکیل می‌دهد (Alsammak, 2023; Blows & Isaacs, 2022; Kahsay et al., 2022). بنابراین، هرچند دانشگاه‌ها نمی‌توانند مستقیماً مشکلات کلان اقتصادی را برطرف کنند، اما سیاست‌های حمایتی، خدمات رفاهی، مشاوره رایگان و کاهش فشارهای مالی دانشجویان می‌تواند زمینه پذیرش بهتر مداخلات فرهنگی را فراهم آورد. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد که استفاده از یک مدل چندسطحی برای پیشگیری از مصرف مواد از مزیت بیشتری نسبت به مداخلات تک‌بعدی برخوردار است. مطالعات پیشین نیز تأکید کرده‌اند که مصرف مواد در میان دانشجویان حاصل تعامل عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیطی است (Armoon et al., 2022; Tareman et al., 2018). تفاوت‌های جنسی و جنسیتی نیز می‌تواند بر الگوهای مصرف و عوامل خطر تأثیر بگذارد و این موضوع ضرورت طراحی برنامه‌های حساس به تفاوت‌های گروهی را نشان می‌دهد (McHugh et al., 2018). در مجموع، یافته‌ها مؤید آن است که پیشگیری مؤثر نمی‌تواند تنها متکی بر یک کارگاه آموزشی، یک پیام رسانه‌ای یا یک سیاست محدودکننده باشد؛ بلکه لازم است مجموعه‌ای از راهبردهای هماهنگ در سطوح فردی، بین‌فردی، دانشگاهی و اجتماعی اجرا شوند.

از منظر روش‌شناختی نیز استفاده از تحلیل مضمون امکان شناسایی دیدگاه‌های متنوع متخصصان و استخراج ساختاری منسجم از راهبردهای پیشنهادی را فراهم کرد. این رویکرد با توصیه‌های Nowell و همکاران درباره ضرورت شفافیت، بازبینی و اعتمادپذیری در تحلیل مضمون همخوان است (Nowell et al., 2017). بهره‌گیری از دیدگاه افراد دارای تجربه در حوزه روان‌شناسی، مشاوره، مدیریت دانشگاهی و علوم رفتاری موجب شد مدل استخراج‌شده صرفاً بازتاب یک حوزه تخصصی نباشد و ابعاد مختلف پیشگیری را دربر گیرد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که مدل اجتماعی-کولوژیکی استخراج‌شده در این پژوهش ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان چارچوبی برای برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ چارچوبی که در آن توانمندسازی فردی، حمایت خانوادگی، مشارکت همسالان، اصلاح محیط دانشگاه، ارتباطات رسانه‌ای و شرایط اجتماعی مکمل یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود. نخست آنکه مطالعه با رویکرد کیفی و بر اساس تحلیل مضمون انجام شد و هدف آن دستیابی به درک عمیق از دیدگاه مشارکت‌کنندگان بود، نه تعمیم آماری نتایج به همه دانشگاه‌ها و دانشجویان کشور. همچنین، مشارکت‌کنندگان از یک زمینه دانشگاهی مشخص انتخاب شدند و ویژگی‌های فرهنگی، مدیریتی و سازمانی این محیط ممکن است بر دیدگاه‌های ارائه‌شده اثر گذاشته باشد. محدود بودن تعداد مشارکت‌کنندگان، وابستگی داده‌ها به تجارب و برداشت‌های افراد مصاحبه‌شونده و احتمال تأثیر سوگیری‌های فردی در بیان یا تفسیر برخی دیدگاه‌ها از دیگر محدودیت‌ها بود. افزون بر این، دیدگاه خود دانشجویان و والدین به‌صورت مستقیم در مطالعه حاضر بررسی نشد و نتایج عمدتاً بر نظر متخصصان و افراد دارای تجربه حرفه‌ای مبتنی بود.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده مدل استخراج‌شده با استفاده از طرح‌های کمی و نمونه‌های بزرگ‌تر در دانشگاه‌های دولتی، آزاد، علوم پزشکی و سایر مراکز آموزش عالی در مناطق مختلف کشور اعتبارسنجی شود. همچنین، انجام پژوهش‌های آمیخته می‌تواند امکان ترکیب دیدگاه متخصصان با تجربه زیسته دانشجویان و والدین را فراهم کند. بررسی تفاوت‌های جنسیتی، شرایط خوابگاهی، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و وضعیت اقتصادی دانشجویان نیز می‌تواند به دقیق‌تر شدن مدل کمک کند. پیشنهاد می‌شود مداخلات مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی‌شده به‌صورت آزمایشی طراحی و اثربخشی آنها در کاهش نگرش مثبت به مصرف مواد، افزایش خودتنظیمی، کاهش فشار همسالان و بهبود رفتارهای سلامت‌محور در دوره‌های پیگیری کوتاه‌مدت و بلندمدت ارزیابی شود. همچنین، مقایسه اثربخشی مداخلات حضوری، دیجیتال و همتامحور می‌تواند شواهد کاربردی مهمی برای سیاست‌گذاری دانشگاهی فراهم سازد.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها برنامه‌های پیشگیری از مصرف مواد را از حالت مقطعی و صرفاً اطلاع‌رسانی خارج کرده و در قالب یک برنامه چندسطحی مستمر طراحی کنند. در سطح فردی، کارگاه‌های مهارت‌های تنظیم هیجان، مدیریت استرس، خودکنترلی، عزت‌نفس و تصمیم‌گیری برگزار شود. در سطح بین‌فردی، آموزش‌های آنلاین برای والدین دانشجویان تازه‌وارد، گروه‌های همسالان سلامت‌محور و برنامه‌های مشارکتی و تفریحی سالم توسعه یابد. در سطح دانشگاهی، از ظرفیت رسانه‌های دانشجویی، شبکه‌های اجتماعی، پادکست‌ها، جشنواره‌های فرهنگی و کافه‌های گفت‌وگو استفاده شود و دانشجویان از مرحله طراحی تا اجرای برنامه‌ها مشارکت داده شوند. در سطح کلان نیز لازم است دانشگاه‌ها با رسانه‌ها، مراکز مشاوره، نهادهای فرهنگی و خدمات حمایتی همکاری کنند تا پیام‌های پیشگیرانه با حمایت‌های روانی، اجتماعی و رفاهی همراه شوند و از روش‌های سنتی، یک‌سویه و نصیحت‌محور که ممکن است برای نسل جدید جذابیت و اثرگذاری کمتری داشته باشند، تا حد امکان پرهیز شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Substance use among university students constitutes a significant public health and psychosocial concern because the university period is characterized by substantial changes in autonomy, social relationships, academic demands, and lifestyle. During this developmental stage, students may experience academic pressure, emotional stress, separation from family supervision, expansion of peer networks, and increased exposure to new social environments, all of which can affect their vulnerability to substance use. International evidence indicates that psychoactive substance use among university students is not confined to a particular country or cultural setting and represents a multidimensional phenomenon influenced by individual, interpersonal, institutional, and broader social factors (Fareed et al., 2026; Sampaio et al., 2024). Studies conducted in Morocco, Jordan, Egypt, Ethiopia, and South Africa have similarly demonstrated that substance use among university populations is associated with a complex combination of psychological, social, environmental, and contextual determinants (Alsammak, 2023; Blows & Isaacs, 2022; Essadi et al., 2024; Kabbash, 2022; Kahsay et al., 2022). Evidence from the United Kingdom and Ireland has further highlighted the importance of university culture, accessibility of substances, social interactions, and student lifestyles in understanding illicit drug use (Boden & Day, 2023). Research among university students in Southeast Asian countries has likewise indicated that substance use is associated with a broad range of individual and interpersonal factors, underscoring the need for prevention strategies that extend beyond individual education (Yi et al., 2017).

In Iran, substance use among university students has also been identified as a relevant health and behavioral concern. A meta-analysis of Iranian university students has demonstrated that substance use is associated with multiple individual and contextual factors and requires systematic preventive attention (Armoon et al., 2022). National evidence has further indicated that both risk and protective factors operate across individual, family, peer, and environmental domains (Taremian et al., 2018). Psychological characteristics such as personality traits, stressful life events, emotion regulation, decision-making patterns, and self-control may influence students' vulnerability to addiction (Hosseini et al., 2019; Mohammadi Ahmadabadi & Golestaninejad, 2020; Yousefi & Teymouri, 2019). Sex- and gender-related differences may also affect patterns of substance use and related vulnerabilities (McHugh et al., 2018). At the interpersonal level, family attachment, parental monitoring, and peer influence are particularly important. Anxious and avoidant attachment have been associated with addiction readiness through attitudes toward substances (Hamednia et al., 2017), while family, peer, and individual variables collectively contribute to substance-use behavior among Iranian students (Shariatirad, 2018). Peer influence and students' knowledge about drugs have also been identified as important correlates of illicit substance use (Alves et al., 2021). Moreover, substance-use disorders among university students have been associated with various environmental and behavioral factors (Direkvand-Moghadam et al., 2020). Evidence concerning college students more broadly suggests that social norms, lifestyle patterns, and university environments are important components of substance-use behavior (Welsh et al., 2019; Zadarko-Domaradzka, 2018). Consequently, prevention strategies should not be restricted to information provision but should address cultural values, perceived norms, coping competencies, family and peer relationships, university environments, and broader social conditions. A social-ecological perspective is particularly appropriate because it conceptualizes preventive behavior as the product of interactions among several interconnected levels. Accordingly, the present study aimed to identify and explain culturally informed intervention strategies for substance use prevention among Iranian university students and to determine their components across different levels of the social-ecological model.

Methods and Materials

This study employed a qualitative research design using thematic analysis. The participants consisted of 11 key informants with relevant professional and organizational experience, including faculty members from the Department of Psychology at Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, university counseling

center personnel, university administrators, and researchers affiliated with the Behavioral Sciences Research Institute. Participants were selected through purposive snowball sampling to ensure the inclusion of individuals with substantial knowledge and experience concerning cultural approaches to substance use prevention in universities and student dormitories. Sampling continued until theoretical saturation was achieved and subsequent interviews yielded no substantially new information. The participants represented psychology, medical sciences, and educational sciences and had different levels of professional experience and postgraduate education.

Data were collected through semi-structured interviews conducted at participants' workplaces at mutually agreed times. The interview guide addressed culturally appropriate university interventions, influential interpersonal relationships, community-based preventive approaches, strategies within the student environment, and broader societal interventions. The interviews lasted approximately 20 to 40 minutes and continued until saturation. The research process involved familiarization with the data, transcription and repeated reading of the interviews, generation of initial codes, identification and organization of themes, review and refinement of themes, and final definition and naming of the thematic structure. A deductive orientation based on the social-ecological model was used to organize the overarching levels, while specific intervention components were derived from the interview data. To enhance credibility, extracted themes and the resulting model were reviewed by experts in psychology and cultural management, and peer debriefing was used to examine the adequacy and coherence of the thematic structure.

Findings

The thematic analysis initially condensed the interview material into 99 meaningful statements; after removing repetitions and overlapping concepts, 80 final statements were retained. Subsequent coding and thematic organization yielded four overarching themes, seven organizing themes, and eleven basic themes. The four overarching dimensions of culturally informed substance use prevention were individual-level interventions, interpersonal interventions, university-community interventions, and societal-level interventions.

At the individual level, the findings emphasized increasing awareness of the harmful consequences of substance use, modifying favorable attitudes toward substances, strengthening coping and self-regulation skills, improving stress management, enhancing self-esteem, and helping students identify personal abilities and meaningful life goals. Educational workshops, counseling-oriented interventions, culturally appropriate educational packages, and storytelling were identified as potentially useful mechanisms for delivering preventive messages. Participants emphasized that cultural interventions should be compatible with students' perspectives and contemporary modes of communication rather than relying exclusively on traditional, prescriptive, or advice-based approaches.

At the interpersonal level, family and peer relationships emerged as central components of prevention. Important strategies included conducting workshops to improve parental monitoring and supportive communication, particularly for parents of newly admitted students; encouraging students to participate in peer groups that promote healthy lifestyles; and organizing camps and collaborative recreational activities centered on positive social engagement. Peer networks were considered capable of functioning either as risk factors or as protective resources. Accordingly, strengthening supportive peer groups and creating opportunities for constructive interaction were viewed as important means of reducing social pressure toward substance use.

At the university-community level, the participants identified cultural festivals promoting substance-free lifestyles, student-generated preventive content, podcasts, social media, and university media platforms as important strategies. Such interventions were considered capable of reshaping perceived norms and making healthy behaviors more socially visible and acceptable within the student environment. At the societal level, television, radio, and broader media campaigns were proposed to portray a substance-free lifestyle as desirable and socially accepted. A further contextual finding concerned socioeconomic conditions. Participants indicated

that severe economic difficulties, unemployment, reduced social welfare, and instability could limit the effectiveness of cultural interventions because individuals experiencing substantial socioeconomic pressure may assign lower priority to preventive health messages. Thus, adequate living standards and supportive socioeconomic conditions were viewed as contextual facilitators of sustainable prevention. The final model therefore represented prevention as a coordinated multilevel process in which individual, interpersonal, university-community, and societal interventions operate within a broader socioeconomic context.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that culturally informed substance use prevention among university students should be conceptualized as a multilevel process rather than as a single educational intervention. The individual-level findings indicate that awareness alone is unlikely to be sufficient. Students also require practical competencies for managing stress, regulating emotions, resisting social pressure, strengthening self-control, and developing positive personal goals. Cultural interventions therefore need to combine knowledge-oriented components with psychological skill development and motivational elements. Their content and delivery should also correspond to the language, interests, experiences, and communication patterns of contemporary students.

The interpersonal findings underscore that university students remain embedded in influential family and peer networks despite their increasing independence. Supportive parental relationships, appropriate monitoring, and constructive communication can provide a protective context, whereas peer networks may either reinforce or discourage substance use. This dual function of peers suggests that prevention programs should actively mobilize students themselves as agents of cultural change. Peer-led groups, healthy recreational activities, collaborative programs, and student associations can transform social networks from potential sources of risk into protective environments.

The university-community findings further suggest that universities should be regarded as cultural ecosystems rather than merely educational institutions. Festivals, student media, podcasts, social networks, discussion spaces, and other participatory channels can contribute to the formation of norms that present healthy and substance-free lifestyles as socially desirable. The participation of students in designing and implementing these initiatives is particularly important because interventions developed without attention to student perspectives may be perceived as overly formal, outdated, or disconnected from everyday university life.

At the societal level, the results highlight the importance of consistency between university-based prevention messages and the broader cultural environment. Mass media campaigns can strengthen preventive norms, but their effects may be constrained when students face severe socioeconomic difficulties. Consequently, cultural interventions should be accompanied by accessible counseling, social support, welfare services, and institutional mechanisms that address the wider circumstances affecting students' well-being.

Overall, the study provides a social-ecological framework for culturally informed substance use prevention among Iranian university students. Effective prevention requires coordinated attention to individual competencies, supportive family and peer relationships, health-promoting university environments, socially reinforced substance-free norms, and favorable socioeconomic conditions. The proposed framework may assist universities, counseling centers, mental health professionals, cultural administrators, and policymakers in designing more comprehensive, context-sensitive, and sustainable prevention programs for university populations.

References

Alsammak, N. (2023). Lifetime Prevalence of Substance Misuse among University Students in Jordan. *Journal of the Bahrain Medical Society*, 35(4), 145-153. https://doi.org/10.26715/jbms.35_4_5

- Alves, R., Precioso, J., & Becoña, E. (2021). Illicit Drug Use among College Students: The Importance of Knowledge about Drugs, Live at Home and Peer Influence. *Journal of Psychoactive Drugs*, 53(4), 329-338. <https://doi.org/10.1080/02791072.2020.1865592>
- Armoon, B., Eslamian, A., Sepahvand, E., Bayani, A., Ahounbar, E., Zarepour, P., & Mohammadi, R. (2022). Substance Use and Associated Factors among Iranian University Students: A Meta-Analysis. *Journal of Substance Use*, 27(4), 352-362. <https://doi.org/10.1080/14659891.2021.1953165>
- Blows, S., & Isaacs, S. (2022). Prevalence and Factors Associated with Substance Use among University Students in South Africa: Implications for Prevention. *BMC psychology*, 10, 309. <https://doi.org/10.1186/s40359-022-00987-2>
- Boden, M., & Day, E. (2023). Illicit Drug Use in University Students in the UK and Ireland: A PRISMA-Guided Scoping Review. *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 18(18), 1-9. <https://doi.org/10.1186/s13011-023-00526-1>
- Direkvand-Moghadam, A., Piri, K., JamshidBeigi, A., Taheri, S., & Veisani, Y. (2020). The Prevalence of Substance Use Disorders among University Students: A Cross-Sectional Study. *Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences*, 14(2), e99324. <https://doi.org/10.5812/ijpbs.99324>
- Essadi, A., Aissaoui, H., & Yeznasni, A. (2024). Psychoactive Substance Use and Associated Factors among Mohammed First University Students, Oujda, Morocco: A Cross-Sectional Study. *BMC public health*, 24, 1961. <https://doi.org/10.1186/s12889-024-19507-5>
- Fareed, A., Ashraf, T., & Mujtaba, G. (2026). Drug Use among University Students in Pakistan: A Public Health Concern. *Substance Abuse and Rehabilitation*, 17. <https://doi.org/10.2147/SAR.S564460>
- Hamednia, M., Panaghi, L., Habibi, M., & Mokhtarnia, I. (2017). A Causal Model of the Effects of Anxious and Avoidant Attachment on Drug Addiction Readiness with the Mediating Role of Drug Attitudes. *Addiction Research Quarterly*, 11(42), 111-124.
- Hosseini, M., Ebrahimi, F., & Tabatabaei, S. S. (2019). Structural Analysis of the Effect of Decision-Making Styles on Students' Addiction Readiness with the Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation. *Addiction Research Quarterly*, 13(52), 235-258.
- Kabbash, I. (2022). Substance Use Prevalence among Egyptian University Students. *Eastern Mediterranean Health Journal*, 28(1), 31-40. <https://doi.org/10.26719/emhj.22.001>
- Kahsay, Z. H., Tesema, A. G., Tesfa, F. H., Gebretsadkan, B. T., Hagos Gebretsadik, W., & Hackett, M. L. (2022). Patterns of Psychoactive Substance Misuse in Undergraduate University Students: The Case of Mekelle University, Ethiopia. *Challenges*, 13(2), 54. <https://doi.org/10.3390/challe13020054>
- McHugh, R. K., Votaw, V. R., Sugarman, D. E., & Greenfield, S. F. (2018). Sex and Gender Differences in Substance Use Disorders. *Clinical psychology review*, 66, 12-23. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2017.10.012>
- Mohammadi Ahmadabadi, N., & Golestaninejad, R. (2020). The Mediating Role of Stressful Life Events in the Relationship between Personality Traits and Addiction Readiness. *Addiction Research Quarterly*, 14(58), 191-216.
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 244-258. <https://doi.org/10.1177/1609406917733847>
- Sampaio, G. R., Lima, G. S., de Souza, S. B., & Soares, D. M. (2024). Use of Psychoactive Substances among University Students from 2019 to 2020: A Systematic Review. *Brain, Behavior, & Immunity - Health*, 35, 100724. <https://doi.org/10.1016/j.bbih.2024.100724>
- Shariatirad, S. (2018). Family, Peer, and Individual Factors Influencing Substance Use among University Students in Iran. *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 13(46), 1-9. <https://doi.org/10.1186/s13011-018-0181-2>
- Tareman, F., Yaghubi, H., & Pairavi, H. (2018). Risk and Protective Factors for Substance Use among Iranian University Students: A National Study. *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 13(46), 1-9. <https://doi.org/10.1186/s13011-018-0181-2>
- Welsh, J. W., Shentu, Y., & Sarvey, D. B. (2019). Substance Use among College Students. *Focus*, 17(2), 117-127. <https://doi.org/10.1176/appi.focus.20180037>
- Yi, S., Peltzer, K., Pengpid, S., & Susilowati, I. H. (2017). Prevalence and Associated Factors of Illicit Drug Use among University Students in the Association of Southeast Asian Nations (ASEAN). *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 12(1), 1-7. <https://doi.org/10.1186/s13011-017-0096-3>
- Yousefi, R., & Teymouri, S. (2019). Structural Relationship between the Dark Triad Personality Traits and Vulnerability to Addiction. *Addiction Research Quarterly*, 13(54), 31-46.
- Zadarko-Domaradzka, M. (2018). Alcohol Consumption and Related Behaviors among First-Year Students in the Carpathian Euroregion. *International journal of environmental research and public health*, 15(1), 86-92. <https://doi.org/10.1155/2018/6084541>